

سمت‌گیری‌ها و سیاست ما!

الف: مهم‌ترین رخداد در بازه‌ی زمانی اخیر کشورمان، جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» است، که در عرض چند ماه توانست سیمای سیاسی کشور را دگرگون کند. این جنبش با به چالش کشیدن سلطه‌ی نهادهای سرکوب و زیر سوال بردن کل حکومت و بی‌اعتبار ساختن راس آن، خامنه‌ای و بیت او، و نیز کاربست مبارزه‌ی خشونت‌پرهیز، موفق شد توجه جهانیان را برانگیزد. جنبش «زن زندگی آزادی» تجلی تحولاتی عمیق و بازگشت‌ناپذیر در باورها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی ماست و در آئینه‌ی دستاوردهای خود، نقشی از سیمای آینده‌ی ایران را نشانده‌است. جنبشی سکولار دموکرات که با نمایش همبستگی ملی و گسستی بنیادین از نظام مبتنی بر مذهب، صفحه‌ی دیگری از تاریخ در برابر نسل‌های آینده گشوده‌است. زنان کشور ما که از همان فردای انقلاب، رزمنده‌ی پیگیر مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی در برابر جمهوری اسلامی بوده‌اند، نقش اصلی را در شکل دادن به این برآمد انقلابی داشته‌اند؛ شعار محوری این جنبش انقلابی با نام زن - مهسا - آغاز و ثبت شده‌است. همچنین، مبارزات حق‌طلبانه‌ی ملیت‌های تحت تبعیض، - مخصوصاً در کردستان و بلوچستان - و پایداری آن‌ها در جریان جنبش «زن، زندگی، آزادی»، موقعیت این تبعیض‌ستیزی‌ها را در فضای سیاسی کشور تقویت کرده، موجب همدلی بیشتر مردم با مطالبات به‌حق آن‌ها شده که به‌نوبه‌ی خود تحول‌نویسی در مبارزات مدنی و مردمی کشور است.

ب: کشور ما با بحران‌های پرشمار و درهم تنیده‌ی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی عمیقی درگیر است و عامل اصلی ایجاد این بحران‌ها هم جمهوری اسلامی است. تداوم و تعمیق این بحران‌ها، از یک سو زندگی بخش بزرگی از مردم کشور را به فلاکت نشانده و موجودیت کشور را با مخاطره روبرو ساخته‌است. اما از سوی دیگر، جامعه را هم به چاره‌جویی واداشته‌است. جمهوری اسلامی با فروریزی مشروعیت، ناکارآمدی، فساد نهادینه و ساختاری مواجه است؛ در اساس نیز با اتکاء بر ارگان‌های نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، تبلیغاتی و توسل به سرکوب ادامه‌ی حیات می‌دهد و پایگاه اجتماعی آن مدام رو به کاهش است. توسل به سرکوب خشن، خود نشان از فاصله‌ی عمیق بین حاکمیت و مردم است که روز به روز بیشتر می‌شود.

ج: بیش از ۸۰ درصد مردم ایران، به‌ویژه زنان که اولین آماج سرکوب رژیم جمهوری اسلامی بوده‌اند، از وضعیت موجود ناراضی و خواهان تغییر آن هستند. این ذهنیت و روانشناسی سیاسی در بین مردم وجود دارد که وضعیت موجود ناپایدار و تغییر امری اجتناب‌ناپذیر است. ادامه‌ی این روند، در جامعه‌ی جنبشی ایران که به دلیل تراکم بحران‌ها و انباشت نارضایتی‌ها با دوره‌های متناوب و تصاعدی خیزش‌های مردمی و اف‌های مقطعی آن روبه‌رو است، به فرسایش اقتدار حکومت و شکاف در درون ساختار قدرت انجامیده و زمینه را برای شکل‌گیری موقعیت انقلابی فراهم می‌سازد. خیزش‌های مردمی از دهه‌ی نود (خیزش دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸) تاکنون، همه بر گذار از جمهوری اسلامی، به مثابه‌ی تنها راه نجات جامعه تاکید کرده‌اند. مردم ایران به تجربه دریافته‌اند که ساختار قدرت جمهوری اسلامی اصلاح‌ناپذیر و خود سدی در برابر هر نوع تحول اساسی و راهگشا در جامعه است. راه تغییر اساسی در کشور ما، از برکناری جمهوری اسلامی می‌گذرد.

د: هم‌اکنون برخی مولفه‌های موقعیت گذار یا موقعیت انقلابی تکوین یافته و برخی مولفه‌های آن هنوز تکوین پیدا نکرده است. اکثریت مردم ایران نمی‌خواهند مثل گذشته زندگی کنند، اما جمهوری اسلامی علیرغم شکنندگی‌اش، هنوز برای چند صباحی قادر به اعمال سلطه‌ی سیاسی خود بر جامعه است. تکمیل مولفه‌های موقعیت انقلابی، در گرو تداوم و گسترش روند مبارزات انقلابی، حضور گسترده‌تر مردم در اعتراضات، سازمانیابی گروه‌های مختلف اجتماعی، هم‌پوشانی جنبش‌های مردم‌نهاد، تشدید فشارهای بین‌المللی، شکل‌گیری رهبری سیاسی و تعمیق شکاف در کانون قدرت و سست شدن اراده‌ی سرکوب است، که جملگی در راستای تامین و تکوین گذار از جمهوری اسلامی و برکناری آن است.

۱- بی‌نتیجه ماندن همه‌ی تلاش‌ها برای تغییرات هر چند محدود در جمهوری اسلامی در طول سه‌دهه‌ی گذشته، سترونی نظام جمهوری اسلامی را بیش از هر وقت دیگری در برابر دیدگان عموم قرار داده است. بخش بزرگی از مردم که خواهان زندگی بهتر، تغییر در سمت تحقق آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و پیشرفت کشور هستند، به تجربه به این باور رسیده‌اند، که در ساختار قدرت جمهوری اسلامی، امکان تغییر از درون وجود ندارد و راه تغییر از برچیدن بساط این نظام حکومتی می‌گذرد.

۲- ما در گذار از جمهوری اسلامی بر جنبش‌های اجتماعی، نهادهای مدنی، خیزش‌های مردمی متکی بوده، گسترش اعتراضات و اعتصابات، سازمان‌یابی مستقل مردم، تلفیق خیزش‌های اعتراضی، اعتراضات خیابانی، اعتصابات صنفی، اعتصاب عمومی، نافرمانی‌های مدنی، پیوند و هم‌زمانی آن‌ها را، راهکارهای گذار دموکراتیک از حکومت می‌دانیم و از آن‌ها قاطعانه

حمایت می‌کنیم. در حال حاضر نافرمانی مدنی به شکل رایجی از مبارزه علیه حکومت تبدیل شده و با زندگی روزمره مردم درآمیخته است. ما مبارزات مردم برای عقب‌نشاندن حکومت در هر زمینه و به هر اندازه را، به سود روندهای دموکراتیک و گامی به جلو در مبارزه علیه استبداد دین‌سالار می‌دانیم.

۳- تمرکز ما بر تامین حضور گسترده‌ی مردم در خیابان‌ها، دانشجویان و دانش‌آموزان در اعتراضات دانشگاه‌ها و مدارس، اعتصابات سراسری کارگران، کامیون‌داران، کسبه و بازار، اعتراضات معلمان و گروه‌های دیگر اجتماعی است. همین حضور هم می‌تواند حکومت را به عقب‌نشینی وادار سازد و برای گذار مسالمت‌آمیز و دموکراتیک بستر مساعد فراهم آورد. سازماندهی و تشکلیابی گروه‌های مختلف اجتماعی در تداوم تجربیات این دوره، فرصتی برای سازماندهی در اشکال مختلف به‌ویژه سازماندهی محله‌محور، تشکلهای صنفی، کمیته‌ها و صندوق‌های اعتصاب است. برآمد ۲۰ تشکل صنفی و مدنی و انتشار منشور مطالبات حداقلی را، تلاشی ارزنده در این راستا ارزیابی می‌کنیم تلاش مقدم حزب ما در این جهت و در تقویت امر سازماندهی و تشکلیابی گروه‌های مختلف اجتماعی خواهد بود.

۴- سیاست ما در زمینه‌ی اتحادها، ائتلاف و همکاری‌ها برای گذار عبارت است از:

الف: ما به عنوان یک نیروی مدافع سوسیالیسم دموکراتیک برای نزدیکی و اتحاد نیروهای چپ دموکرات تلاش می‌کنیم و از گفتگو و همکاری با دیگر جریان‌ها و نخله‌های چپ به منظور تشکیل یک بلوک چپ برای دفاع از منافع کارگران و دیگر مزد و حقوق‌بگیران در سایر عرصه‌ها استقبال می‌کنیم.

ب: ما خواهان گذار از جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با حکومتی دموکراتیک و سکولار در شکل جمهوری هستیم، برای ایجاد ثقلی از جمهوری‌خواهان، تقویت آن و اتحاد وسیع در بین نیروهای جمهوری‌خواه تلاش می‌کنیم.

پ: انسجام نیروهای چپ و تشکیل ثقل جمهوری‌خواهان مهم و بسیار ضروری است، اما برای عبور از سد جمهوری اسلامی، کافی نیست. ما بر گفتگو با هدف ایجاد مرکز هماهنگی نیروهای اپوزیسیون که به دموکراسی، سکولاریسم و پلورالیسم باور دارند و در این راستا به انتخابات آزاد، قضاوت صندوق رای، پذیرش نتیجه‌ی آن و تشکیل مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی جدید پایبند هستند، تاکید داریم.

ت: از نظر ما تشکیل بلوک‌های مختلف و تنظیم رابطه‌ی بلوک‌ها و همکاری در هر حدی که اشتراکات اجازه می‌دهد، به شکل‌گیری مرکز هماهنگی استحکام بیشتری می‌بخشد. هم‌اکنون بلوک‌های متعددی در بین نخله‌های مختلف اپوزیسیون شکل

گرفته‌اند و یا در حال شکل گرفتن هستند. یکی از این بلوک‌ها ائتلاف "همگامی برای جمهوری سکولار دموکرات در ایران" است که حزب ما هم یکی از اعضای آن است. ما بر تلاش خود برای گسترده‌ترین ائتلاف و اتحاد نیروهای جمهوری‌خواه در یک بلوک، ادامه خواهیم داد. شکل‌گیری بلوک‌ها، امکانات جدیدی را در برابر نیروهای اپوزیسیون سکولار دموکرات برای رسیدن به تفاهم‌ها و توافقی‌های جمع‌تری و دیالوگ بر سر مسیر پیش روی، ایجاد می‌کند.

ث: گفتگو، پرنسپ ما در ارتباط با نیروهای سیاسی منتقد و مخالف جمهوری اسلامی است. هدف ما در این گفت‌وگوها، شناخت متقابل از مواضع یکدیگر، بررسی موانع همکاری نیروها، دستیابی به تفاهم و راهکارهای غلبه بر آنها، یافتن نکات اشتراک و در صورت امکان، سازمان دادن همکاری‌ها است.

ج- ما بر این باوریم که با جریان‌های راست افراطی که زیر شعار «بازگشت به قانون اساسی مشروطه» احیای سلطنت پهلوی را به عنوان برنامه‌ی خود اعلام کرده‌اند، از همین امروز برای حذف صداهاى مخالف نقشه می‌کشند و با حملات سازماندهی شده به تجمعات در خارج از کشور، فحاشی سازمان‌یافته در فضای مجازی، عامل تفرقه در جنبش «زن، زندگی، آزادی» هستند، گفت و گو ممکن نیست. هر تحولی در جهت ایجاد هم‌سوئی و هم‌آهنگی بین نیروهای اپوزیسیون دموکرات، از طریق منزوی کردن چنین نیروهایی ممکن است.

۵- برای گذار از جمهوری اسلامی، ضروری است که ضمن مخالفت با حمله‌ی نظامی، تحریم‌های اقتصادی علیه معیشت مردم و آترناتیوسازی توسط دولت‌ها، از فشارهای بین‌المللی به جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی، توقف شکنجه، اعدام و تامین حقوق بشر استقبال کرد.

۶- از شاخصه‌های فروپاشی حکومت اقتدارگرای جمهوری اسلامی، شکل‌گیری شکاف و چند دستگی درون آن است. شکاف و اختلاف عمدتاً بر سر رویکردها برای بقای حکومت، نوع مواجهه با جنبش‌های اجتماعی و کاربرد خشونت، کوشش بخشی از حکومت برای حفظ خود و قربانی کردن بخش دیگر، سیاست‌های اقتصادی، رقابت‌های شخصی و جان‌شینی حاکم شکل می‌گیرد. حزب ما معتقد است که گسترش اعتراضات، می‌تواند به تضعیف حکومت و ریزش در بدنه‌ی آن منجر گشته، اراده‌ی سرکوب را سست کرده و فرصت‌های گرانبها برای سازمانیانی گروه‌های اجتماعی، همکاری و ائتلاف نیروهای اپوزیسیون فراهم آورد. ما در مشی سیاسی خود بر این تاکید داریم که همانا مبارزه‌ی گسترده و خشونت‌پرهیز، پرهیز از انتقام‌جوئی و کاربرد سیاست‌های سنجیده نسبت به نیروهای مسلح، در عین تاکید بر حق مسلم دادخواهی در رابطه با جنایات

رژیم، می‌تواند شکاف‌های درون حکومت را تعمیق داده و موجب ریزش در نهادهای حکومتی و فاصله‌گیری از آن شود.

۷- جامعه‌ی ما با توجه به بحران‌های پرشمار و درهم‌تنیده و شکاف‌های متعدد و متقاطع، آستان تحولات بنیادین است و هر رخدادی می‌تواند به زبانه کشیدن اعتراضات و گسیل مردم به خیابان‌ها منجر شود. با توجه به موقعیت ویژه‌ی علی خامنه‌ای به عنوان رهبر - ولی فقیه در ساختار قدرت، مرگ او می‌تواند به شکل‌گیری یا تعمیق شکاف‌های حکومتی، گسترش اعتراضات، جابه‌جائی قدرت، تحول سیاسی و تکوین مولفه‌های گذار از جمهوری اسلامی بیانجامد. لازمه‌ی بهره‌گیری از چنین تحولاتی، تقویت حضور حزب در حیات سیاسی جاری در ایران و تسریع هرچه بیشتر روند تأمین هماهنگی‌ها در اپوزیسیون سکولار دموکرات است.

۸- جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» عمیقاً خشونت‌پرهیز بوده و این امر در جلب گروه‌های اجتماعی و حمایت‌های بین‌المللی تأثیر به‌سزائی داشت. مبارزه‌ی مبتنی بر اصل خشونت‌پرهیزی وجهی از الزامات گذار از جمهوری اسلامی است. در عین حال، ما بر این باوریم که دفاع مشروع در مقابل سرکوب امر پذیرفته شده‌ای است و مردم حق دارند در مقابل سرکوب از خود دفاع کنند.

۹- بحران اقتصادی یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی فروپاشی جمهوری اسلامی است. این بحران بسترساز اصلی مبارزات معیشتی گروه‌های مختلف اجتماعی و مطالبات آن‌ها علیه حکومت است. مبارزات رو به گسترش و پیوسته‌ی مردم در چالش با حکومت، هرچه بیشتر خصلت سیاسی به خود می‌گیرد. سیاست حزب ما، برقراری پیوند زنده با جنبش‌های مطالباتی و مدنی مردم و افق‌گشایی دموکراتیک در برابر این شط عظیم مبارزاتی علیه رژیم و سیاست‌های آن است. ما پیگیرانه از این مبارزات حمایت می‌کنیم و بر گره‌خوردگی امر آزادی و عدالت تأکید داریم.

۱۰- خیزش دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ برخاسته از وضعیت فلاکت‌بار تهیدستان و طبقه‌ی متوسط فرودست، کارگران و زحمتکشان بود. در سال‌های گذشته به‌جهت بحران اقتصادی و سیاست‌های مخرب حکومت، زندگی گروه‌های فرودست جامعه وخیم‌تر شده و زمینه را برای خیزش آن‌ها فراهم آورده‌است. جنبشی که بر تحركات اعتراضی و انقلابی دهه‌های اخیر جامعه، خاصه بر خیزش‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و جنبش "زن، زندگی، آزادی" بنا شود، از آن‌ها فراتر رود و مبارزه برای معیشت شایسته را، با مبارزه برای آزادی و دموکراسی گره زند، یکی از الزامات گذار از جمهوری اسلامی است. ترویج این ضرورت از زمره وظایف کانونی ما در دوره‌ی پیش‌روست.

۱۱- شعار راهبردی ما گذار از جمهوری اسلامی، جایگزینی آن با جمهوری سکولار و دموکرات، برگزاری انتخابات آزاد، تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی جدید است. نظام سیاسی پیشنهادی ما مبتنی بر موازن حقوق بشر و رفع هرگونه تبعیض جنسی و جنسیتی، عقیدتی، دینی، ملی و قومی و توأم با تامین حقوق دموکراتیک ملی و قومی است. ما بر تمرکززدایی و ضرورت اداره‌ی امور هر منطقه به دست ساکنان آن تاکید داریم و مدافع تامین حقوق ملی، وحدت ایرانیان و یکپارچگی کشور هستیم. از نظر ما فدرالیسم مناسب‌ترین شکل برای عدم تمرکز و رفع تبعیض ملی و قومی در ایران است.

۱۲- کشور ما فاجعه‌ی زیست‌محیطی در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه آب و خاک مواجه است. بحرانی که عمده‌تاً ریشه در سیاست‌ها و عملکرد جمهوری اسلامی دارد. تخریب محیط زیست، ابعاد ویرانگری پیدا کرده و به مسئله‌ی حاد جامعه ما تبدیل شده‌است. این بحران طی سال‌های گذشته، به برآمد اعتراضی گروه‌هایی از کشاورزان در اصفهان و خوزستان انجامید. ما از اعتراضات و مطالبات مردم در این حوزه حمایت می‌کنیم و مبارزه علیه تخریب محیط زیست را، بخش جدائی ناپذیری از تلاش مردم برای رهائی از سیاست‌های ویرانگر جمهوری اسلامی می‌دانیم. ما از تشکل‌ها و کمیته‌های تخصصی محیط زیست که برای برنامه‌ریزی جامع ملی و محلی گام بر می‌دارند و برای پیشگیری از تخریب بیشتر محیط زیست و مدیریت بحران آب و زیست بوم تلاش می‌کنند، حمایت می‌کنیم. بازداشت و زندان و قتل فعالان محیط زیست را به‌شدت محکوم می‌کنیم. ما با تاکید بر لزوم رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی در باره‌ی محیط زیست و رفع خطر گرم شدن زمین، پشتیبان هر اقدام ضرور بین‌المللی در جهت حفظ محیط زیست هستیم.

۱۳- جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» در اعتراض به قتل مهسا امینی و علیه حجاب اجباری شکل گرفت و با آن پیوند خورد. شمار زیادی از زنان در جریان جنبش مهسا حجاب از سر برداشتند و آزادی پوشش را بر حکومت تحمیل کردند. اکنون حکومت تمام قوای خود را به کار گرفته تا وضعیت را به قبل از جنبش مهسا برگرداند. مبارزه علیه حجاب اجباری، با تداوم روند مبارزاتی در هم آمیخته و به گرانگاه مهمی در گذار از جمهوری اسلامی، استقرار دموکراسی و به عاملی موثر در گسترش نافرمانی مدنی تبدیل شده‌است. حزب ما همگام و همراه مبارزه‌ی زنان و مردان علیه حجاب اجباری و برای آزادی پوشش و برابر حقوقی زن و مرد مبارزه می‌کند.

۱۴- توحش و حمله‌ی ممتد شیمیائی به مدارس دخترانه از درون حکومت برمی‌خیزد و از حمایت نیرومندی در درون آن برخوردار است. در وضع مرعوب حکومت، تکرار چنین جنایاتی علیه جامعه در آینده منتفی نیست. این جنایات مبین تعرض شیرانه علیه

امنیت مردم است. ما کل حکومت و در راس آن علی خامنه‌ای را مسئول مستقیم این وحشیگری‌ها می‌دانیم و همه‌ی مردم کشور را به مبارزه‌ی جمعی و مدنی با آن فرامی‌خوانیم.

۱۵- اعدام و شکنجه دو رکن اساسی حاکمیت جمهوری اسلامی در سرکوب مخالفان و مواجهه به معضلات اجتماعی هستند. پرونده سازی برای معترضان جنبش «زن، زندگی، آزادی»، صدور احکام اعدام در مورد آنان، و قتل آنان از جمله اقدامات رژیم علیه جنبش انقلابی مردم است. ما برای لغو اعدام و پایان دادن به شکنجه در زندان‌ها و آزادی زندانیان سیاسی مبارزه می‌کنیم و بر ضرورت تداوم و گسترش اتحاد عمل علیه اعدام و شکنجه در ایران پای می‌فشاریم. ما مخالف صدور حکم اعدام به مثابه‌ی بی‌رحمانه‌ترین، غیرانسانی‌ترین و تحقیرآمیزترین شیوه‌ی مجازات هستیم و با اعمال این مجازات در همه‌ی شرایط، صرف نظر از این‌که متهم چه کسی است، شرایط وقوع جرم چه بوده، فرد بی‌گناه یا گناهکار است، بدون استثنا مخالف هستیم. ما همچنین، مخالف هر نوع شکنجه، اجبار به اعتراف در زندان‌ها هستیم.

۱۶- نویسندگان، هنرمندان تئاتر و سینما، فیلمسازان، روزنامه نگاران حامی جنبش «زن، زندگی، آزادی» همچنان مورد تعقیب و آزار دستگاه‌های تفتیش عقاید و سرکوب حکومتی قرار دارند. حزب چپ ایران هم‌گام با فرهنگ‌سازان کشور برای لغو سانسور و منع پیگرد نویسندگان، روزنامه نگاران، فیلمسازان و فرهنگ‌سازان مبارزه می‌کند. ما از ایجاد تشکل‌های هنرمندان و به رسمیت شناختن استقلال عمل آنان در حوزه‌ی کار خود، ایجاد امکانات لازم برای رشد و ارتقاء رشته‌های مختلف هنری، تخصیص بودجه برای تشویق نوآوری و خلاقیت در عرصه‌های مختلف فعالیت هنری، و همچنین، برخورداری همه‌ی دست اندرکاران هنر و فرهنگ جامعه از پوشش بیمه‌های درمانی و تامین اجتماعی مناسب حمایت می‌کنیم. ما خواهان آزادی اعضای زندانی کانون نویسندگان ایران، روزنامه‌نگاران و سینماگران بازداشت شده هستیم.

۱۷- در حال حاضر، سیاست خارجی حکومت متکی بر راهبرد «نگاه به شرق»، مهار نسبی تنش با «غرب» و تعدیل در تنش‌زایی‌ها با حکومت‌های عربی و در راس آن‌ها عربستان سعودی است. این مهار و تعدیل نه به معنی تغییر رویه‌ی دیرینه، بلکه اقتضای منطق «سازش در خارج، سرکوب در داخل»، بن‌بست‌ها در رویکرد «عمق استراتژیک» و نیز ناشی از نیاز دولت چین به تنش زدایی در منطقه است. با تشدید تنگناهای داخلی رژیم، تداوم تنش زدایی گفته شده منتفی نیست. این روند در کنار صلبیت نسبی در مناسبات پایه‌ای جهانی - ناشی از تشدید رقابت بین آمریکا و چین و جنگ اوکراین - در عین تنگناها، حاوی برخی مفرها برای جمهوری اسلامی جهت تخفیف بحران‌های آن

است. علیرغم دشواری‌های بسیار، از سرگیری مذاکرات برای "احیای برجام" منتفی و مشروط به خاتمه‌ی جنگ در اوکراین نیست. ما تامین منافع ملی کشورمان را در برقراری یک صلح پایدار در خاورمیانه و جهان و عادی سازی رابطه با کشورهای غربی و همه‌ی دولت‌های جهان می‌دانیم. در این راستا، تنش‌زدائی در مناسبات با غرب و عموم کشورهای منطقه به شمول اسرائیل، در گرو پایان دادن به حضور نظامی در کشورهای منطقه و خاتمه دادن به سیاست "عمق استراتژیک" و پایبندی به الزامات تامین منافع ملی کشور است.